

## **Premature Political Socialization and Early Political Alienation (Sociological Explanation of the Role of Political Socialization on Political Alienation of Karaj University Students)**

**Kobra Hassanzadeh**

Ph. D. student in Political Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

**Asghar Mohajeri\***

Assistant Professor in Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

**Majid Radfar**

Assistant Professor in Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

**Abstract:** *The present writing, is one the result of research that focuses on the key and most important issue of the day which is the political alienation of students in the field of sociology .The research in a title of investigating the effectiveness factor on type and amount of political alienation of students in Alborz/Karaj universities with selecting 400 samples from 56 thousand of students in the sequential mixed research method was conducted. Part of the quantitative/ survey findings of that research is about the key constructs of the levels and degree of political socialization and political alienation, which was done with the researcher's questionnaire with the validity of expert method and the reliability of Cronbach's alpha test with 88%. The research findings show; the process of political socialization of the students in the different levels; perfect, middle and weak, was incomplete and immature and in conclusion, the high intensity of students political alienation (82/3) especially is in the no meaning degree (92/3). F&T statistical tests as well as regression correlations show the relationship between the levels political socialization and political alienation the type and extent of using the media system, and the absence of a significant relationship with the background / facilitating variables of the students.*

**Keywords:** *Political socialization, Political alienation, Students, meaninglessness, Political trust.*

---

\* Email: asgharmohajeri@yahoo.com (Corresponding Author)

## جامعه پذیری سیاسی نارس و بیگانگی سیاسی زودرس (تبیین جامعه شناختی نقش جامعه پذیری سیاسی بر بیگانگی سیاسی دانشجویان دانشگاه‌های کرج)

کبری حسن زاده<sup>۱</sup>، اصغر مهاجری<sup>۲\*</sup>، مجید رادفر<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۲/۰۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۲/۱۷

### چکیده

نوشتار حاضر، بخشی از نتایج یک پژوهش بر محور مساله کلیدی و پراهمیت روز؛ بیگانگی سیاسی دانشجویان در قلم رو دانشی جامعه شناسی است. پژوهش مزبور با عنوان بررسی جامعه شناختی عوامل موثر بر نوع و میزان بیگانگی سیاسی دانشجویان دانشگاه‌های البرز/ کرج با انتخاب ۴۰۰ نمونه از حدود ۵۶ هزار دانشجوی، با روش پژوهش آمیخته متوالی به سامان آمده است. در این نوشتار فقط بخشی از یافته‌های کمی/ پیمایشی آن پژوهش در پیرامون سازه‌های کلیدی سطوح و میزان جامعه‌پذیری سیاسی و بیگانگی سیاسی تدوین و گزارش شده است که با پرسش نامه پژوهش گرساخته با روایی حاصل از شیوه خبره‌گی و پایایی حاصل از آزمون آلفای کرونباخ با ۰/۸۸ درصد، انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد؛ فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان در سطوح؛ عالی، متوسط و ضعیف، بسیار ناقص و نارس بوده و نتیجه آن نیز، شدت بالای بیگانگی سیاسی دانشجویان (۸۲/۳) به ویژه در مرتبه بی‌معنایی (۹۲/۳) است. آزمون‌های آماری F و T و هم چنین هم بستگی‌های رگرسیونی نشان گر رابطه معنادار سطوح جامعه‌پذیری سیاسی با بیگانگی سیاسی، نوع و میزان استفاده از نظام رسانه‌ای و عدم رابطه معناداری با متغیرهای زمینه‌ای/ تسهیل گر دانشجویان است.

**واژگان کلیدی:** جامعه‌پذیری سیاسی، بیگانگی سیاسی، دانشجویان، بی‌معنایی، اعتماد سیاسی.

### کلیات (بیان مساله، اهمیت، ضرورت و اهداف پژوهش)

اگر جامعه‌پذیری سیاسی ناقص و نارس باشد، هر چند محصول نهایی آن تمایل کم‌تر به مشارکت سیاسی، و از دست دادن مشروعیت نظام سیاسی خواهد شد، اما میوه زودرس آن بیگانگی سیاسی است. از این‌رو در ادبیات نوین جامعه‌شناسی سیاسی، سازه و واژه بیگانگی سیاسی از مباحث و مساله‌های کلیدی و بسیار پراهمیت زیست جهان سیاسی امروز است. چون‌که؛ از یک‌طرف مفهوم/ واژه بنیادی بیگانگی سیاسی از مهم‌ترین مفاهیم، سازه‌ها، مساله‌ها و موضوعات مرتبط با رشته‌های جامعه‌شناسی و علوم سیاسی

<sup>۱</sup> دانشجوی مقطع دکتری رشته جامعه‌شناسی سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

<sup>۲</sup> استادیار رشته جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

(E mail: asgharmohajeri@yahoo.com)

<sup>۳</sup> دانشیار رشته جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

است و از طرف دیگر وضعیت و شدت بیگانگی سیاسی از جدی‌ترین و حساس‌ترین مساله‌ها و به طور عموم از نگرانی‌های نهادها، سازمان‌ها و کنش‌گران/ صاحبان قدرت سیاسی در عرصه حکمرانی می‌باشد. نگرانی مزبور زمانی که دامن‌گیر قشر خاصی از جامعه مانند جامعه دانش‌گامی و از جمله دانشجویان شود، دوچندان مضاعف می‌گردد، چون که فرآیند بیگانگی سیاسی برخی گروه‌ها و اقشار خاص جامعه می‌تواند آثار و تاثیرات بازتولیدکننده‌گی زیادی داشته و موجب اشاعه آن در سایر اقشار جامعه شود. پی‌آمدها، دلایل، بسترها و عوامل میانجی موثر بر بیگانگی سیاسی مهم و شناخت آن ضروری است و یافته‌های علمی و پژوهشی عوامل مزبور می‌تواند برای نظام سیاسی کشور سودمند و از رهین آگاهی به موضوع و مساله و به تبع درمان آن مانع از هم‌گسیخته‌گی نظام سیاسی شود. دانش‌های مرتبط با مساله و موضوع مزبور مانند دانش جامعه‌شناسی سیاسی به جد علاقه‌مند و مامور به شناخت فرآیند بیگانگی سیاسی، علل و کارکردهای آن هستند.

مساله بیگانگی سیاسی زمانی ظاهر و جدی می‌گردد که میان وضع مطلوب و وضع موجود آن، تعارض و ناسازگاری به وجود آید. وضعیت مطلوب برای هر نظام سیاسی و به ویژه نظام‌های سیاسی جمهور/ دموکرات پایه که از طریق مشارکت سیاسی اصیل، راهبرد دموکراسی را انتخاب می‌کنند، مشارکت و مشروعیت سیاسی است که بسترها و امکانات پایداری و استمرار حیات سیاسی را فراهم می‌سازد. شرط و ضمان این وضعیت در گرو همبستگی سیاسی شهروندان جمهور است که می‌بایست براساس کارکردهای دموکرات محور و توسعه‌بخش در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی، ارزش‌های بنیادی نظام سیاسی در آن‌ها درونی و نهادی شود، تا آنان با مشارکت سیاسی شان موجب دوام و بقای نظام سیاسی شوند. زمانی وضعیت موجود در یک کشور و نظام سیاسی از وضع مطلوب و آرمانی مشروعیت سیاسی فاصله می‌گیرد که مراتب و درجاتی از بیگانگی سیاسی نمایان می‌گردد. هرچند میزانی از بیگانگی سیاسی در هر کشور/ دولت-ملت و نظام سیاسی طبیعی است، لکن درجات و مراتب بالای این بیگانگی سیاسی مانند بیزاری و ناامیدی می‌تواند نظام سیاسی را تهدید و ادامه حیات آن و ایفای کارکردهای مثبت و خواسته آن نظام را مختل نماید و ضمن ایجاد مشکلات و مساله‌های متعدد، مکرر و جدید، حیات نظام سیاسی را دچار تنش و بحران سازد و موجبات از دست دادن مشروعیت و اضمحلال آن را فراهم نماید.

نوع و شیوه آغاز فرآیند بیگانگی سیاسی و آغازکننده‌گان این فرآیند بسیار مهم است. اگر آغازگران بیگانگی سیاسی در یک جامعه از اقشار موثر و تاثیر گذاری باشند که ضمن برخورداری از وجاهت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، قدرت و شرایط آگاهی بخشی، اشاعه آگاهی و رهبری جامعه را داشته باشند، فرآیند بیگانگی سیاسی در یک فرآیند پخش فضایی گسترده‌ای قرار می‌گیرد و ارکان مشروعیت نظام سیاسی را در گستره وسیع‌تر و بنیادی‌تر تهدید می‌نماید و میزان مشارکت سیاسی را با سرعت بیش‌تری کاهش و بسترهای بحران و یا بحران‌آفرین را برای نظام سیاسی فراهم می‌سازد. هرچند، احزاب سیاسی، نظام‌های مردم‌نهاد، رهبران اجتماعی، دینی و سیاسی، فرهنگیان و کارگران از جمله پیش‌تازان شروع فرآیند بیگانگی سیاسی هستند. اما در این میان نظام دانش‌گامی و به طور خاص دانشجویان در ساحت جامعه‌یی که ساختار جمعیت جوان دارد و هم‌چنین ساختار معرفتی آن ایدئولوژیکی و سپهر روانی آن جامعه هیجانی باشد، از جمله گروه‌ها و اقشاری است که می‌تواند در شروع و اشاعه بیگانگی سیاسی بسیار قدرت‌مند عمل نماید و مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی را در عمق و افق جامعه تهدید کند.

شواهد و مستندات در جهان نشان می‌دهند که به طور عموم پیش‌تازان و آغازگران فرآیند بیگانگی سیاسی که در انتهای درجات‌اش به ستیز سیاسی می‌انجامد، نظام‌های فرهنگی و دانش‌گامی بودند. بسیاری از انقلاب‌ها در کشورهای جهان و شکل‌گیری نظام‌های سیاسی نوین در آن‌ها و به ویژه در کشورهای جهان سوم و توسعه‌نیافته، از مرحله آخرین مرحله فرآیند بیگانگی سیاسی آغازیافته و تحقق یافته است. چون که بیگانگی سیاسی که از آن به‌عنوان نوعی احساس انفعال، جدایی و عدم پیوند ذهنی (شناختی) و عینی (کنشی) میان افراد و نظام سیاسی نام برده می‌شود و در درجات بالا به بیزاری و ناامیدی می‌انجامد. این واقعیت در نزد جوانان دانش‌گامی که در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی و تثبیت هویت سیاسی هستند و از طرف دیگر

کنش‌ورزی سیاسی‌شان می‌تواند بیش‌تر باشد، حساس‌تر و حادث‌تر است. شواهد و مستندات بسیاری برای این وضعیت موجود دلالت دارد و نشان می‌دهد در سالیان اخیر میزان بیگانه‌گی سیاسی در کشور و به ویژه در نزد دانشجویان بیش‌تر شده است. حوادث سالیان اخیر، نوع و میزان مشارکت سیاسی در فرایندهای انتخاباتی، فعالیت در تشکل‌های سیاسی و غیره نشان از وضعیت نامطلوب مشارکت سیاسی از یک‌طرف و روند فزاینده بیگانه‌گی سیاسی از طرف دیگر دارد. تجارب زیسته پژوهش‌گر به‌عنوان مدرس آموزشی و دانش‌گاهی نیز نشان می‌دهد که علی‌رغم تلاش‌های جدی مسولین نظام آموزشی رسمی برای برسر ذوق آوردن این گروه سنی و اجتماعی، بی‌میلی، کم‌اشتهایی، عدم طروات سیاسی و فقدان انگیزش‌های سیاسی در نزد آنان بسیار مشهود و بیگانه‌گی سیاسی به ویژه در سطوح بی‌قدرتی و بی‌معنایی خیلی زیاد است. هم‌چنین شواهد دیگر از یافته‌های پژوهشی و گزارش‌های علمی و پژوهشی، نشان می‌دهند که وضعیت بیگانه‌گی سیاسی حادث‌تر و بیش‌تر و اعتماد‌سیاسی دانشجویان کم‌تر و پایین‌تر از حد متوسط است. به‌عنوان نمونه یافته‌های پژوهش ادهمی (۱۳۹۷) در نزد دانشجویان سندج نشان می‌دهد که میانگین بیگانه‌گی سیاسی دانشجویان براساس شاخص‌هایی چون: احساس بی‌قدرتی، بی‌هنجاری، احساس انزوا، احساس بیگانه‌گی از خود و احساس بیگانه‌گی فرهنگی کم‌تر از حد متوسط است. این وضعیت در یافته‌های پژوهشی ایمان و قانندی (۱۳۹۵) در مورد دانشجویان شیراز هم صدق می‌نماید. یافته‌های پژوهشی اسلامی و همکاران (۱۴۰۲)، که براساس مدل نظری اعتماد‌سیاسی و اعتماد‌به‌نفس سیاسی سیاسی آلبرت بندورا انجام شده است نشان می‌دهد میزان هر دو اعتماد در نزد دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی زنجان بسیار پایین و در حدود ۱/۵ از ۵ است و به همین دلایل، میزان گرایش به مشارکت سیاسی آنان نیز کم‌تر است.

در کاوش علل، شرایط و بسترهای بیگانه‌گی سیاسی، هرچند عوامل متعددی موثر هستند، اما نوشتار حاضر قصد دارد در بیان چرایی مساله مزبور، عامل موثر و قدرت‌مند جامعه‌پذیری سیاسی را بررسی و تبیین کند. نظام‌های سیاسی مردم‌سالار که توسعه‌بخش بوده و مشارکت اصیل، دموکرات‌محور و اثربخش را مبنای اصولی خود می‌دانند، برای دوام و بقای خود تلاش می‌کنند از طریق جامعه‌پذیری و هویت‌بخشی سیاسی شهروندان‌شان، آن‌ها را در خود ادغام و همراه نمایند تا دچار بیگانه‌گی سیاسی ۱ و بحران مشروعیت نشوند. این اهمیت در دامنه‌سنی جوانان و در گروه اجتماعی دانشجویان دوچندان می‌شود و از این‌روی نظام‌های سیاسی با تربیت و جامعه‌پذیری سیاسی رسمی و تحقق هویت سیاسی ۲ جوانان در فرآیند آموزش رسمی و دولتی، تلاش می‌نمایند تا آنان را از دام بیگانه‌گی سیاسی برهانند و شهروندان فعال برای مشارکت سیاسی، جامعه‌پذیر کرده تا بقای خویش را تضمین کنند. هم‌سویی و وفاداری به ارزش‌های بنیادی و اساسی هویت‌ساز مورد نظر نظام سیاسی، مشارکت سیاسی مردم و پیروان حکومت و هم‌چنین ساخت و برساخت پویای هویت سیاسی از طریق فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی، می‌تواند این وضعیت مطلوب را برای نظام سیاسی تضمین و مستمر سازد. چون‌که هر نظام سیاسی بدون مشروعیت و مقبولیت سیاسی از سوی پیروان و مردم خود نمی‌تواند در وضعیت مطلوب ادامه حیات دهد و کارکردهای مثبت بقاء‌ساز خود را ایفا نماید.

شناخت بیگانه‌گی سیاسی و فرآیند آن به ویژه در نزد گروه حساس و اثرگذاری چون دانشجویان با هدف کشف چیستی و چرایی آن بسیار مهم است. از این‌روی اهمیت و ضرورت دارد تا بررسی، پژوهش و تبیین شود که چرا بیگانه‌گی سیاسی در نزد دانشجویان برساخت شده است. اگر چرایی‌های آن فهم، کشف و حل نشود، می‌تواند، بی‌تفاوتی، بی‌معنایی، تنش، انزوا، ستیز و حتی بحرآن‌های متعدد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی خلق نماید. این وضعیت اگر دامن‌گیر گروه‌های و قشرهای اجتماعی در دامنه‌های سنی خاصی مانند دانشجویان شو، حساسیت مساله دو چندان می‌شود، از این‌روی، کشف و تبیین این مساله بسیار اهمیت و حل آن بسیار ضرورت دارد.

<sup>1</sup> Alienation political

<sup>2</sup> Identity Political

علاوه بر اهمیت دانشی یافته‌های بنیادی پژوهش حاضر، بهره مندی از یافته‌های کاربردی آن، نگرانی‌ها و پرسش‌های اساسی مسئولین نظام‌های آموزشی، تربیتی، فرهنگی، رسانه‌ی و به ویژه نظام‌سیاسی را پاسخ داده و برنامه اقدام عملی<sup>۱</sup> برای آن‌ها، پیش نهاد می‌دهد که کاربرد آن می‌تواند نظام‌سیاسی و ... را در عقلانی سازی رفتارهای خویش، مسئول و متعهد نماید.

### پرسش‌های پژوهش

- ۱- وضعیت (میانگین، واریانس و ...) گونه‌ها و شدت بیگانگی سیاسی در نزد دانش‌جویان دانش‌گاه‌های استان البرز/ کرج چگونه توصیف می‌شود؟
- ۲- وضعیت ( میانگین، واریانس و ...) گونه‌ها و سطوح جامعه‌پذیری سیاسی در نزد دانش‌جویان دانش‌گاه‌های استان البرز/ کرج چگونه توصیف می‌شود؟
- ۳- آیا نوع و سطوح جامعه‌پذیری دانش‌جویان دانش‌گاه‌های استان البرز/ کرج نوع و میزان بیگانگی سیاسی آنان را تعیین می‌کند.
- ۴- آیا نوع و سطوح جامعه‌پذیری سیاسی دانش‌جویان دانش‌گاه‌های استان البرز/ کرج با نوع و میزان استفاده دانش‌جویان دانش‌گاه‌های استان البرز/ کرج از نظام‌رسانه‌ای ارتباط دارد.
- ۵- آیا هریک از متغیرهای زمینه‌ای دانش‌جویان دانش‌گاه‌های استان البرز/ کرج نوع و میزان بیگانگی سیاسی آنان را تعیین می‌کند؟.

### ادبیات تجربی پژوهش

براساس پرسش‌های پژوهش و به‌ویژه در محور سازه‌های جامعه‌پذیری سیاسی و بیگانگی سیاسی، پژوهش‌گران متعددی با روش‌های کمی، کیفی و آمیخته پژوهش انجام دادند که یافته‌های آن‌ها را به خلاصه در ادامه نوشتار حاضر، مرور می‌کنیم. در قلمرو موضوعی و محتوایی جامعه‌پذیری سیاسی، پژوهش‌گرانی چون، همتی (۱۳۹۵) با عنوان "فرایند جامعه‌پذیری دانشجویان دانش‌جویان دکتری؛ مورد مطالعه: دانشگاه اصفهان"، حداد و همکاران (۱۳۹۵)، با عنوان جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، رشیدی فرشباف و دیگران (۱۳۹۴)، با عنوان نقش سازمان بسیج دانش‌آموزی در جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، نیکزاد و همکاران (۱۳۹۳)، با عنوان وضعیت جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی تهران، اسکندری و دیگران (۱۳۹۲)، با عنوان عوامل موثر بر جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان رشته‌های انسانی دانشگاه آزاد اسلامی و دولتی شیراز، طلوعی (۱۳۹۰)، با عنوان "بررسی نقش تلویزیون بر جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ساعی‌فر و همکاران (۱۴۰۰)، با عنوان بررسی جامعه‌شناختی نقش تعارض ارزشی در شیوه‌های جامعه‌پذیری سیاسی کارگزاران نظام‌رسانه‌ای کشور، آذین و جهانشاهی (۱۳۸۹) با عنوان، بررسی نقش رادیو و تلویزیون در جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان شوشتر، پژوهش‌های انجام دادند که برخی یافته‌های پژوهشی آنان که مرتبط با پرسش‌های مقاله حاضر هست را جمع‌بندی و مرور می‌کنیم، اکثر پژوهش‌های مزبور دریافته‌اند که جامعه‌پذیری ناقص و به‌ویژه جامعه‌پذیری سیاسی نارس می‌تواند پی‌آمدهای منفی زیاد و از جمله بیگانگی و به‌طورخاص بیگانگی سیاسی در شهروندان یک جامعه/ کشور ایجاد کند. سایر یافته‌های پژوهش‌های مزبور عبارتند از؛ ناکارآمدی و ضعف جریان جامعه‌پذیری دانشجویان در میان دانشجویان، ضعف جامعه‌پذیری سیاسی در سطوح عالی و متوسط، آگاهی بخشی سیاسی، ایجاد ایستارهای سیاسی در میان دانشجویان که به‌طورعموم در سطح متوسط رو به ضعیف است. در اکثر پژوهش‌ها میان متغیرهای زمینه‌ای مانند سن، جنس، رشته‌های دانشگاهی، نوع دانشگاه و غیره دانشجویان با نوع و میزان و بیگانگی سیاسی آنان ارتباط معناداری وجود دارد.

<sup>1</sup> Action Plan

در ارتباط با پرسش اساسی نوشتار حاضر در پیرامون نوع و میزان بیگانه‌گی سیاسی، یافته‌های پژوهشی پژوهش‌گران قابل تامل تر است. اسلامی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان سنجش بیگانه‌گی سیاسی و اعتمادسیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی زنجان، دریافتند که مولفه‌های بی‌معنایی، احساس بی‌قدرتی، فقدان اعتمادسیاسی و احساس عدم اثربخشی سیاسی / اعتمادبه‌نفس سیاسی دانشجویان نه تنها آنان را در درجات بالایی بیگانه‌گی سیاسی قرار می‌دهد، بلکه موجب کاهش شدید میل و گرایش به مشارکت سیاسی در نزد دانشجویان می‌شود. علی‌رضا کریمیان و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان نقش سرمایه اجتماعی در میزان بیگانه‌گی سیاسی شهروندان تهرانی به این نتیجه رسیدند که یکی از مولفه‌های موثر در ثبات سیاسی، میزان وفاق سیاسی و عدم احساس بیگانه‌گی سیاسی شهروندان است. سرمایه اجتماعی با مولفه‌هایی هم‌چون اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی می‌تواند در پیوند شهروندان یک جامعه با دولت و نظام سیاسی و در نتیجه عمل‌کرد مطلوب هیات حاکمه آن نظام نقش موثری داشته باشد. نتایج پژوهش نشان داد که در میان مولفه‌های سرمایه اجتماعی مولفه اعتماد سیاسی بیش‌ترین هم‌بستگی را با بیگانه‌گی سیاسی شهروندان دارد. جمال ادهمی (۱۳۹۷) در بررسی میزان بیگانه‌گی اجتماعی و فرهنگی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان و عوامل موثر بر آن معتقد است که در سال‌های اخیر مفهوم بیگانه‌گی توجه فزاینده متخصصان علوم اجتماعی را به خود جلب نموده است که عموماً به معنای جهت‌گیری منفی احساسات ناهماهنگ فرد، احساس بی‌معنایی زندگی، احساس جدایی از خویش و بیزار بودن از ارزش‌های جامعه تعریف می‌شود. یافته‌های پژوهش مزبور حاکی از آن است که میانگین بیگانه‌گی سیاسی و اجتماعی دانشجویان براساس شاخص‌هایی چون احساس بی‌قدرتی، بی‌هنجاری، احساس انزوا، احساس بیگانه‌گی از خود و احساس بیگانه‌گی فرهنگی کم‌تر از حد متوسط و احساس بی‌معنایی دانشجویان بالاتر از حد متوسط است. از بین متغیرهای پژوهش، سه متغیر قدرت تصمیم‌گیری، سرمایه فرهنگی و دین داری ۱۸/۷ درصد از کل واریانس بیگانه‌گی سیاسی در بین دانشجویان را تبیین می‌کنند.

محمدعلی ایمان و حسین قانلی (۱۳۹۵) در بررسی عوامل مؤثر بر بیگانه‌گی سیاسی دانشجویان مطالعه موردی: دانشگاه شیراز به نتایج و یافته‌هایی رسیدند که نشان می‌دهد که متغیرهای اعتمادبه‌نفس سیاسی، میزان رضایت‌مندی سیاسی، شیوه تربیتی خودراهبر خانواده و تقدیرگرایی بیش‌ترین تأثیر را بر بیگانه‌گی سیاسی دانشجویان داشته‌اند. نتایج حاصل از این پژوهش که از چارچوب نظری‌گی‌یر در حوزه روانشناسی اجتماعی، با مفهوم سازی مجدد از ابعاد بیگانه‌گی سیمن، انجام شده است، نشان می‌دهد که بیگانه‌گی سیاسی پدیده‌ای چندبعدی است که در طول فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی شکل می‌گیرد و عوامل مختلف روان‌شناختی و جامعه‌شناختی (عوامل ذهنی و عینی) بر آن مؤثرند. تحلیل چند متغیره نشان می‌دهد از میان متغیرهای مذکور، اعتمادبه‌نفس سیاسی / احساس اثربخشی سیاسی و میزان رضایتمندی سیاسی به عنوان مهم‌ترین متغیرها ظاهر شدند. نتایج پژوهش قاسم حسینی (۱۳۸۹) تحت عنوان «بررسی رابطه بیگانه‌گی سیاسی، اجتماعی با مشارکت سیاسی - اجتماعی دانشجویان در مقطع کارشناسی و ارشد» که برای رسیدن به اهدافی همچون: الف) سنجش میزان بیگانه‌گی سیاسی، اجتماعی و مشارکت سیاسی ب) شناخت نوع همبستگی میان متغیرهای بیگانه‌گی سیاسی با مشارکت سیاسی و پ) شناخت نوع رابطه متغیرهایی نظیر سن، جنس، مذهب، قومیت، تاهل، مقطع تحصیلی، درآمد و نوع دانشگاه با شدت بیگانه‌گی سیاسی، اجتماعی با میزان مشارکت سیاسی - اجتماعی به سامان آمده است. نشان می‌دهد، مولفه‌های بیگانه‌گی سیاسی و اجتماعی در ارتقاء یا کاهش مشارکت سیاسی و اجتماعی مؤثرند، و در صورت عدم مشارکت سیاسی و اجتماعی به دلیل ظهور بیگانه‌گی سیاسی و اجتماعی در جامعه، امنیت ملی کشور دچار آسیب می‌شود.

### ادبیات مفهومی و نظری پژوهش

مفاهیم، اصول، گزاره‌ها و قضایای نظری بیگانه‌گی سیاسی و جامعه‌پذیری سیاسی به طور گسترده‌ای در علوم انسانی و توسط برخی از جامعه‌شناسان، جامعه‌شناسان سیاسی و روان‌شناسان اجتماعی و در قالب سطوح خرد مانند پارادایم‌های؛ رشد، یادگیری اجتماعی

و کنش متقابل نمادی یا نقش اجتماعی و در سطح کلان با خطوط و پارادایم‌های سیاسی، هویتی و منش ملی، فرهنگی و به ویژه در پارادایم‌های کلان و ساختاری جامعه‌شناختی، تدوین و انباشت شده است. مجموعه نظریه پردازانی چون؛ لوین و سیمین (۱۹۷۵)، آلبرت بندورا (۲۹۲۳)، کورن (۱۹۸۵)، گمسون (۱۹۸۱)، لین (۱۹۷۶)، دال (۱۹۷۱) هاووزر (۱۹۹۹)، اریکسون و گرینشتاین (۱۹۶۸)، مریام (۱۹۳۱)، هربرت هایمن (۱۹۵۹) چیلکوت (۱۳۸۷) در درون رویکردهای تضادگرا (تاکید بر نقش قدرت جامعه‌پذیری سیاسی در حفظ نظم جامعه برای جلوگیری از بیگانگی سیاسی) و رویکرد نظم اجتماعی (تاکید بر ارزش‌های مشترک اجتماعی) نظریه پردازی کردند که در ادامه در قالب چارچوب نظری که براساس مبانی، قضایا و گزاره‌های نظری، برخی از آنان تدوین شده است را گزارش می‌کنیم.

جامعه‌پذیری سیاسی به عنوان یکی از عامل‌های علی و بستر ساز بیگانگی سیاسی از واژه گان، مفروض‌ها و گزاره‌های نظری مهم در جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و روان‌شناسی اجتماعی می‌باشد که عده‌ای آن را "فرهنگ پذیری سیاسی" و عده ای دیگر "جامعه‌پذیری سیاسی" و عده ای "تربیت سیاسی" ترجمه کرده اند. این اصطلاح به فرآیندی توجه دارد که بر اساس آن، جامعه نگرش‌ها، گرایش‌ها، دانش‌ها و اطلاعات و به‌طور کلی ارزش‌ها و معیارهای سیاسی خود را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کند و در جریان این انتقال، تغییرات و تعدیل‌هایی نیز صورت می‌پذیرد» (قوام، ۱۳۷۸: ۲۲۹). در این میان از نظر "کریستنسن ام ریوم" و "رابرت اومک و ویلیامز"، جامعه‌پذیری سیاسی جوانان خیلی مهم است (نادمی، ۱۳۸۲: ۴).

آلموند (۱۳۷۵) با استفاده از دیدگاه ساختی-کارکردی ویلیام سی میچل و تحت تأثیر دیوید ایستون و تالکوت پارسونز، نظریه مقوله‌های کارکردی را براساس مدل درونداد-برونداد، از هم جدا می‌سازند. کارکردهای دروندادی که عبارتند از؛ ۱. جامعه پذیری و استخدام سیاسی، ۲. بیان منافع، ۳. تلفیق منافع و ۴. ارتباطات سیاسی و کارکردهای برونداد که عبارتند از؛ ۱. وضع قوانین، ۲. اجرای قوانین و ۳. قضاوت بر اساس قوانین. آلموند استدلال می‌کند که در توصیف سیستم‌های سیاسی کشورهای در حال توسعه، کارکردهای دروندادی یا سیاسی نقش تعیین کننده‌ای دارند. از نظر آلموند، جامعه‌پذیری سیاسی در قالب فرهنگ سیاسی باید شهروندان را به مشارکت در یک جامعه ترغیب می‌کند، ولی اگر فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی ناقص باشد، به دلیلی نارس‌اش موجب بیگانگی سیاسی شده و میل به مشارکت سیاسی را کاهش می‌دهد.

براساس نظریه‌های دیوید ایستون، هنسن و تورنی، مراحل جامعه‌پذیری سیاسی عبارتند از؛ مرحله سیاسی شدن، مرحله تشخیص و باز شناخت، مرحله مثالی که در این مرحله فرد گرایش به صدور احکام ارزشی در اسلوب‌های معینی می‌نماید و در پرتو اسلوب‌های مثالی فوق به سلب یا ایجاب به قضاوت در خصوص اشکال سلطه و سیاست در حال جریان به شکل یک کل می‌پردازد و مرحله چهارم: مرحله تحول به سمت نهادینه شدن است که در آن از مرحله ادراک برخی از اشکال مطروحه سیاسی فراتر رفته و در خصوص تمامی اجزای تشکیل دهنده نظام سیاسی به قضاوت ارزشی می‌نشینند.

بر اساس نظریه ی پای، فرآیند مزبور عبارتند از؛ ۱. فرایند جامعه‌پذیری پایه‌ای که در سطح آشکار شامل؛ یادگیری نگرش‌ها، ارزش‌ها، مهارت‌ها، الگوهای رفتاری و در سطح پنهان شامل؛ شکل‌گیری ماهیت فرد، پویایی ساختار شخصیت و تشخیص هویت، می‌باشد. ۲. فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی. در این مرحله، فرد فرهنگ سیاسی جامعه را در خود، درونی ساخته، مفهوم هویت سیاسی نیز در همین مرحله تحقق می‌یابد. ۳. فرایند گمارش سیاسی. زمانی که فرد از یک نقش منفعلانه شهروندی و مشاهده‌گر صرف به نقش یک شهروند مشارکت کننده فعال تبدیل می‌شود. او در این مرحله بینش عمیق تری نسبت به امور سیاسی، هویتی نهادی شده و روشن دست می‌یابد. در یک جامعه پویا، بین این سه فرایند درجه بالایی از پیوستگی و تداوم وجود دارد؛ به‌طوری که هر یک دیگری را تقویت می‌کند (شارع پور، ۱۳۸۶: ۲۹۰).

از نظر (روسکین و دیگران، ۱۹۸۸: ۱۴۱). سطوح جامعه‌پذیری سیاسی عبارتند از الف: جامعه‌پذیری سیاسی مؤثر که می‌توان به مثابه جانشینی برای اجبار به صورت ابزار حفظ روابط قدرت طبقه حاکم به کار برد و ب: جامعه‌پذیری سیاسی مؤثر که می‌توان به

مثابه ابزار بسیج توده‌ها برای تأمین هدف‌های خاص طبقه حاکم به کار برد که در غیر این صورت تأمین این اهداف دشوار خواهد بود (تاج مزینانی، ۱۳۸۲: ۷۲-۷۳). و پ) جامعه‌پذیری سیاسی موثر با هدف انگیزش سیاسی و آفرینش شورسیاسی. ایجاد انگیزه و شور و شوق در افراد برای پذیرش یک ارزش یا نگرش و یا رفتار به طریق خاص، یکی از راه‌های جامعه‌پذیری سیاسی است. هر نظام سیاسی می‌بایست در افراد جامعه خویش انگیزه و شور و شوق پایبندی و اطاعت از قوانین و هنجارها و بایدها و نبایدها را به وجود آورد تا افراد از سر شوق و نشاط، شرایط و تکالیف شهروندی را انجام دهند.

در جمع‌بندی نظریه‌های جامعه‌پذیری سیاسی، گزاره‌های نظری مرتبط با سطوح آن که مورد توجه پژوهش حاضر است بسیار مهم می‌باشد که به خلاصه در ذیل، آن را تدوین و گزارش می‌کنیم. جامعه‌پذیری سیاسی را می‌توان به سه سطح یا مرتبه تقسیم کرد؛ البته در این تقسیم‌بندی، طیف‌های میانی نیز وجود دارند به عنوان مثال جامعه‌پذیری سیاسی متوسط رو به ضعیف یا متوسط رو به بالا و غیره.

سطح اول: جامعه‌پذیری سیاسی عالی یا بالا: زمانی فرد/ دانشجو در این سطح قرار خواهد گرفت که آگاهی‌ها، ایستارها و نگرش‌ها و در نهایت رفتار سیاسی اش در یک نظام سیاسی با ارزش‌ها، هنجارها، ایستارها، اطلاعات، آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی مد نظر نظام سیاسی، کاملاً هم‌سو و هم‌جهت باشند که نتیجه و برآیند این وضعیت سبب تداوم کارکردی نظام سیاسی خواهد شد. به عبارت دیگر، عوامل جامعه‌پذیری سیاسی جامعه و کشور مانند نظام آموزشی و دانشگاهی، رسانه‌ها توانستند، اطلاعات و آگاهی‌های ارزش‌های و نگرش‌ها، فعالیت‌ها و رفتارهای دانشجویان را با نظام سیاسی حاکم بر کشور، کاملاً هم‌سو و هم‌جهت نمایند.

سطح دوم: جامعه‌پذیری سیاسی میانه یا متوسط: حد متوسط یا میانه جامعه‌پذیری سیاسی زمانی است که ارزش‌ها و هنجارها و قواعد رفتار سیاسی در طی مراحل جامعه‌پذیری سیاسی به طور کامل به برخی افراد القاء نشده باشد و در نتیجه بین دانش و آگاهی، نگرش و رفتارهای سیاسی آنان با آنچه مدنظر نظام سیاسی است در برخی موارد تفاوت و اختلاف وجود داشته باشد و یا مردم نسبت به موارد مذکور نظری نداشته و خنثی هستند. در نهایت اگر نظام سیاسی برنامه‌ریزی درستی داشته باشد می‌تواند اقدام به جذب و هم‌سو نمودن آنان با خود کند و این افراد به سمت شاخص‌هایی با سطح بالاتر و عالی‌تر و یا در صورت غفلت به سمت تعارض با ارزش‌های رسمی ملی و نظام سیاسی متمایل کنند. به عبارت دیگر، عوامل جامعه‌پذیری سیاسی جامعه و کشور مانند نظام آموزشی و دانشگاهی، رسانه‌ها نتوانستند، دانش و آگاهی دانشجویان را برای حمایت از نظام سیاسی، با کفایت و قانع‌کننده افزایش دهند و آنان را برای حمایت از نظام هم‌سو کند و در نهایت نگرش و رفتارهای دانشجویان نسبت به نظام سیاسی حاکم بر کشور، مردد/ دودل، مشکوک و خنثی/ بی تفاوت هستند.

سطح سوم: جامعه‌پذیری سیاسی ضعیف: این وضعیت زمانی رخ می‌دهد که نظام سیاسی و نهادهای مختلفی که در این فرایند سهیم هستند؛ در تزیق ارزش‌ها، آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی مدنظر خود به جامعه موفق نبوده و در نهایت در صورتی که نظام سیاسی نتواند طی برنامه ریزی‌های اصولی، آن‌ها را با خود همراه سازد عملکرد خود را با موانع و مشکلاتی هم‌چون؛ عدم ثبات سیاسی، کاهش مشروعیت سیاسی و اختلال در نظم عمومی جامعه رو به رو خواهد نمود. از این روی، در نتیجه تلاش نارس و ضعیف عوامل جامعه‌پذیری سیاسی رسمی (مدرسه، دانشگاه و رسانه‌های حکومتی) جامعه‌پذیری سیاسی نارس و ضعیف است و دانشجویان به مشروعیت سیاسی نظام حاکم بیگانه‌گی سیاسی پیدا نموده و نسبت به آن بدبین، مخالف و متفر می‌شوند.

براساس تبیین‌های نظریه پردازان حوزه جامعه‌شناسی سیاسی، جامعه‌پذیری سیاسی ناقص و نارس موجب بیگانه‌گی سیاسی می‌شود. حال در نوشتار حاضر، برای توصیف و تبیین نظریه‌پردازان بیگانه‌گی سیاسی، این سازه مهم و کلیدی، کمی روشن‌تر و دقیق‌تر بیان می‌کنیم. از نظر ماری لوین و متناسب با نظریه سیمن، بیگانه‌گی سیاسی - اجتماعی عبارت است از حالتی که فرد احساس می‌کند دیگر



بر فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی تاثیرگذار نیست و به این باور می‌رسد که عمل و فعالیت در امور سیاسی - اجتماعی، موجب تغییر نمی‌شود. شاخص‌های بیگانگی سیاسی که اساس طبقه‌بندی پژوهش حاضر هم می‌باشد، از نظر نظریه‌پردازان مزبور، عبارتند از؛

۱. احساس بی‌قدرتی؛ یعنی فرد فعالیت‌های سیاسی اجتماعی خود را در رسیدن به اهداف مورد نظر بی‌تاثیر تلقی کند و یا بر این باور است که رای دهندگان تاثیری در نتایج انتخابات ندارند چرا که جامعه فقط توسط اقلیت با نفوذ و قدرتمند اداره و کنترل می‌گردد.

۲. احساس بی‌معنایی؛ یعنی فرد تفاوت حقیقی را میان کاندیدها در حوزه‌های انتخاباتی سیاسی مشاهده نمی‌نماید لذا شرکت در انتخابات را بی‌معنا می‌داند و یا این که به دلیل نداشتن اطلاعات لازم و کافی، خود را در گرفتن تصمیم عاقلانه ناتوان ببیند.

۳. احساس بی‌هنجاری؛ یعنی که فرد احساس می‌کند رفتارهای سیاسی به دلیل بی‌ارزش شدن اخلاق سیاسی و زیرپا گذاشتن معیارهای رفتار سیاسی، برای رسیدن به اهداف و منافع شخصی و گروهی می‌باشد...

۴. احساس خود بی‌زاری؛ این حالت زمانی در فرد بروز می‌کند که فرد از شرکت در فعالیت‌های سیاسی، هیچ‌گونه رضایت و خشنودی احساس نمی‌کند. در چنین وضعیتی فعالیت‌های فردی بیش از فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی ارضاء کننده است (لوین، ۱۹۷۲، ۲۲۷).

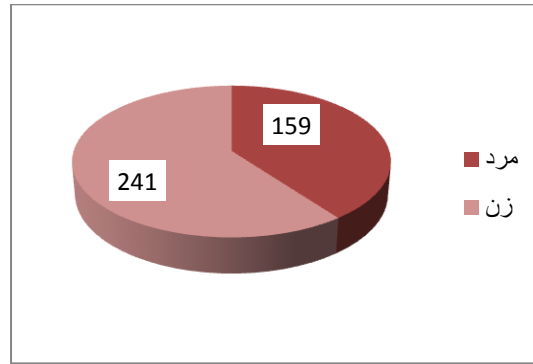
## روش پژوهش

نوشتار/ مقاله حاضر بخشی از نتایج کمی (پیمایش) پژوهشی است که در پارادایم اثباتی و به روش آمیخته‌متوالی انجام شده است. در بخشی از پژوهش مزبور، به حکم روش‌شناسی پژوهش در رویکرد قیاسی و با روش پیمایشی در پی توصیف، تبیین چرایی و چگونگی رابطه برخی سازه‌ها/ متغیرهای مانند نوع و میزان جامعه‌پذیری سیاسی و نوع و شدت بیگانگی سیاسی بوده و قصد سنجش متغیرهای جامعه‌پذیری سیاسی و بیگانگی سیاسی دانشجویان و سپس تبیین و پیش‌بینی وضعیت این متغیرها براساس فرآیند فرض‌آزمایی در جامعه آماری حدود ۵۸ هزار نفری دانشجویان دانشگاه‌های کرج/ البرز را بودیم. این پژوهش در جامعه آماری مزبور با حجم ۴۰۰ نفر/ دانشجو که به شیوه نمونه‌گیری نسبتی و سپس خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند، به سامان آمده است. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه پژوهش‌گر ساخته بود که روایی آن به شیوه خبره‌گی نهایی و پایایی آن با تکنیک آلفای کرونباخ (۰/۸۸) برآورد شده است. برای توصیف یافته‌ها با استفاده از جداول و اشکال و از شاخص‌های متمایل به مرکز و پراکنده‌گی آمار توصیفی و برای تبیین یافته‌های از آزمون‌های آماری T و F و همچنین از هم‌بستگی‌های رگرسیونی بهره بردیم.

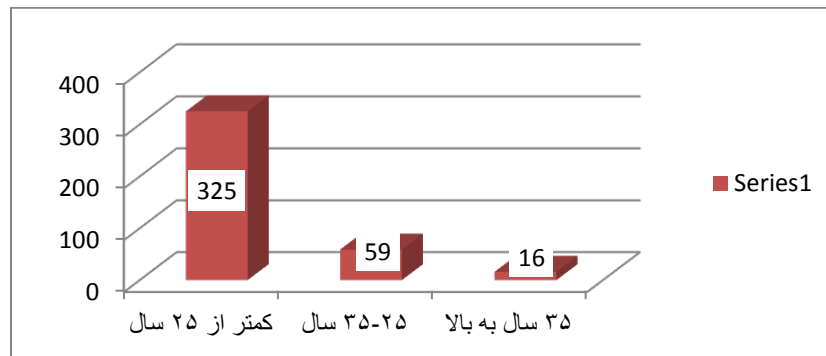
## یافته‌های پژوهش

### یافته‌های توصیفی

برای آشنایی با نیم‌رخ جامعه آماری، ویژه‌گی جمعیت‌شناختی و به‌ویژه برای توصیف برخی مفاهیم کلیدی پژوهش مانند وضعیت جامعه‌پذیری سیاسی و بیگانگی سیاسی دانشجویان، یافته‌های توصیفی پژوهش را به خلاصه جمع‌بندی و گزارش می‌کنیم.



شکل ۱- توزیع نمونه‌های پژوهش بر حسب جنسیت



شکل ۲- توزیع نمونه‌های پژوهش بر حسب دامنه سنی

جدول ۱- توزیع نمونه‌های پژوهش بر حسب سطوح اشتغال به تحصیل

سطوح اشتغال به تحصیل	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی تجمعی	فراوانی تجمعی نسبی
کاردانی	۸۴	۲۱	۲۱	۲۱
کارشناسی	۲۷۲	۶۸	۶۸	۸۹
کارشناسی ارشد	۳۷	۹/۳	۹/۳	۹۸/۳
دکتری	۷	۱/۸	۱/۸	۱۰۰
جمع	۴۰۰	۱۰۰	۱۰۰	-

بر اساس اشکال شماره ۱ و ۲ و هم‌چنین جدول شماره ۱، نمونه‌های پژوهش با حدود ۶۰ درصد، دانشجوی زن هستند. دلیل بالا بودن فراوانی زنان به دلیل آن‌ها حضور بیش‌تر دانشجویان زن در دانشگاه‌ها و به تبع بالا بودن وزن نسبی نمونه‌های دانشجویان زن در جامعه آماری پژوهش حاضر نسبت به دانشجویان مرد می‌باشد است و این یافته با وضعیت و میانگین دانشگاه‌های کشور انطباق دارد. به عبارت دیگر دانشگاه‌های امروزی کشور ایران زنانه هست. یادآوری می‌شود. حدود ۸۱ درصد در گروه سنی کم‌تر از ۲۵ سال قرار دارند. دلیل بالا بودن فراوانی این گروه سنی حضور بیش‌تر دانشجویان کم سن و جوان در دانشگاه‌ها و به تبع بالا بودن وزن نسبی نمونه‌های دانشجویان در جامعه آماری پژوهش حاضر نسبت به دانشجویان گروه‌های سنی دیگر است. حدود ۹۱ درصد، دانشجویان مجرد هستند. چون که دانشجویان در فرآیند تحصیل هستند و در ضمن با توجه به افزایش سن ازدواج و هم‌چنین عدم تمایل جوانان به ازدواج، بالا بودن فراوانی مجردها قابل فهم و توجیه است

حدود ۵۲ درصد، دانشجویان آذری هستند. دلیل بالا بودن فراوانی آذری زبان‌ها، این است که در استان البرز مهاجران آذری بیش‌تر هستند و ساختار قومی شهر کرج و استان البرز، به‌طور عمده آذری بوده و حتی برخی مناطق شهری و یا روستاهای این

استان، به طور کلی آذری/ ترک می‌باشند. حدود ۶۸ درصد، دانشجویان در مقطع کارشناسی (لیسانس) در حال تحصیل هستند. حدود ۴۱ درصد، دانشجویان در رشته علوم انسانی مشغول به تحصیل هستند این دو وضعیت به طور تقریبی با وضعیت سایر دانش‌گاه‌های کشور هم‌خوانی دارد. حدود ۴۶ درصد، دانشجویان به میزان متوسط از وضعیت معیشتی خود رضایت دارند. هرچند پاسخ‌گویان در پاسخ به پرسش‌های درآمدی، معیشتی و همانند آن‌ها آن‌ها با محافظه‌کاری پاسخ می‌دهند، اما با توجه به فراوانی قابل توجه پاسخ‌دهنده‌گان و مشاهدات میدانی پژوهش‌گر، وضعیت معیشتی دانش‌جویان به طور عمده در سطح متوسط و پایین‌تر هست. به عبارت دیگر حدود ۸۴ درصد دانشجویان از وضعیت معیشتی‌شان در سطوح متوسط و پایین‌تر (کم و خیلی کم) رضایت دارند. حدود ۹۰ درصد دانشجویان یا بیکار هستند و به صورت پاره وقت مشغول فعالیت هستند. مشاهدات میدانی پژوهش‌گر نشان می‌دهد که به طور عمده دانشجویان با توجه به نیازهای اقتصادی و معیشتی‌شان تمایل به کار دارند اما کار باب میل آن وجود ندارد. از این‌روی آینده باسوادان کشور بیکاران نگران هستند که می‌بایست مورد توجه برنامه‌ریزان و مسولین کشور باشد.

### توصیف متغیرهای اصلی پژوهش

متغیرهای اصلی تشکیل دهنده فرضیه‌های پژوهش، مفاهیم بنیادی و سازه‌های بسیار مهم و کلیدی هستند که اساس و ساختار فضای مفهومی پژوهش را تشکیل می‌دهند. به دلیل اهمیت این مفاهیم کلیدی، وضعیت آن‌ها مفاهیم مزبور را در این قسمت به کمک شاخص‌های متمایل به مرکز و پراکنده‌گی توصیف و گزارش نماییم.

جدول ۲- توزیع میانگین و واریانس نظرات نمونه‌های پژوهش در مورد بیگانگی سیاسی و شاخص‌های آن

آماره‌های توصیفی		بیگانگی سیاسی و شاخص‌های آن
واریانس	میانگین	
۰/۶۷۵	۳/۸۲	بیگانگی سیاسی
۱/۱۳۰	۳/۸۱	احساس بی‌قدرتی
۱/۰۸۹	۳/۹۲	احساس بی‌معنایی
۰/۹۴۹	۳/۶۸	احساس بی‌هنجاری
۰/۹۶۶	۳/۴۰	احساس بی‌زاری و ناامیدی

در یافته‌های پژوهش حاضر، هرچند وضعیت بیگانگی سیاسی دانش‌جویان میانگین ۳/۸۲ و نزدیک به زیاد نگران کننده و قابل تامل است، اما این وضعیت در شاخص احساس بی‌معنایی بسیار نگران کننده‌تر است. بیش‌تر دانشجویان ۳۷ درصد در سطح کاملاً موافق و بیش از ۶۳ درصد گزینه‌های از سطح متوسط به بالا را در گویه بی‌معنایی انتخاب کردند یعنی باور دارند که از شایستگی‌هایشان در نظام سیاسی استفاده نمی‌شود و هم‌چنین هیچ سهم و جایگاهی در قدرت و نظام سیاسی ندارند.

جدول ۳- توزیع میانگین و واریانس نظرات نمونه‌های پژوهش در مورد جامعه‌پذیری سیاسی به تفکیک شاخص‌های آن

آماره‌های توصیفی		جامعه‌پذیری سیاسی و شاخص‌های آن
واریانس	میانگین	
۰/۶۳۶	۱/۸۳	جامعه‌پذیری سیاسی
۰/۸۰۵	۱/۹۶	سطح عالی
۰/۶۷۴	۲/۰۰	سطح متوسط
۱/۰۳۷	۱/۹۹	سطح ضعیف

گویه‌های پرسش مربوط به جامعه‌پذیری سیاسی به نحوی طراحی شده بود تا هم‌سویی گویه‌ها رعایت شود و بتواند وضعیت این فرآیند را درست تر اندازه گیری نماید. از دانشجویان دانش‌جویان پرسیده شده است که آیا نظام سیاسی نتوانسته است آنان دانش‌جویان را در سطح عالی جامعه‌پذیر کند و یا این که آن‌ها را در سطوح متوسط و ضعیف جامعه‌پذیر نموده است. پاسخ دانش‌جویان در سطح سنجش طیف لیکرتی هم‌نویی و موافقت با پرسش پرسش‌نامه و گویه‌های آن دارد. چنان‌چه جدول شماره ۳ نشان می‌دهد، میانگین ناتوانی نظام سیاسی و عوامل جامعه‌پذیری آن در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی با ۱/۸۳ از ۵ حتی پایین‌تر از سطح ضعیف/ کم می‌باشد. به عبارت دیگر به نظر دانشجویان، دانش‌جویان نظام سیاسی در سطح نزدیک به ضعیف هم نتوانسته است دانشجویان دانش‌جویان را برای حمایت از نظام سیاسی جامعه‌پذیر نماید. این وضعیت در سطح عالی جامعه‌پذیری سیاسی با میانگین ۱/۹۶ بسیار قابل تامل تر و همه سطوح تقریباً در وضعیت پایین‌تر از ضعیف/ کم هست. چرا که از وظایف نظام سیاسی جامعه‌پذیر کردن شهروندان در سطح عالی جامعه‌پذیری سیاسی است که بتواند مشروعیت نظام سیاسی و وفاداری شهروندان به نظام سیاسی و حمایت، اطاعت پذیری و ... آن‌ها را فراهم نماید. به نظر دانشجویان این اهداف برای نظام سیاسی جمهوری اسلامی رخ نداده و عوامل، نهادها، نظام‌های رسانه‌ای و آموزشی و غیره مسئول در حوزه تربیت، فرهنگ پذیری و جامعه‌پذیری سیاسی نتوانستند این وظیفه مهم را به درستی انجام دهند و دانشجویان در رابطه با مشروعیت نظام سیاسی مشکوک و دودل و نسبت به نظام سیاسی حاکم بر کشور بی‌تفاوت هستند و آماده‌گی مشارکت و حمایت از آن را در سطوح عالی و متوسط ندارند. به عبارت دیگر؛ عوامل متعدد و مختلف جامعه‌پذیری سیاسی در نظام اجتماعی‌کننده ایران، مانند، نظام آموزشی، نظام رسانه‌ای، احزاب سیاسی و غیره نتوانستند به روش‌های اقناعی، حتی القایی و شورانگیزی شهروندان و به ویژه دانشجویان را جامعه‌پذیری سیاسی کنند و آن‌ها را برای انجام وظایف و تکالیف سیاسی واقعی‌شان آماده کنند. در این وضعیت فقط گلا دیاتورهای سیاسی در فرآیند انتخابات و سایر حوزه‌های شورانگیز شرکت می‌کنند و تکالیف‌شان را انجام می‌دهد.

جدول ۴- توزیع میانگین و واریانس استفاده دانشجویان از نظام رسانه‌ای و ارتباطی به تفکیک شاخص‌های آن

آماره‌های توصیفی		نظام رسانه‌ای و ارتباطی و شاخص‌های آن
واریانس	میانگین	
۰/۵۷۱	۲/۸۷	نظام رسانه‌ای و ارتباطی
۰/۶۸۰	۴/۵۴	رسانه‌های تعاملی
۱/۱۷۴	۳/۴۴	رسانه‌های غیر هم‌سو
۱/۴۱۰	۲/۱۶	رسانه‌های هم‌سو
۱/۱۴۲	۳/۴۸	نظام ارتباطی سنتی و شفاهی

جهان ارتباط و رسانه امروزین بر مدار فضای مجازی و سایبری می‌چرخد. این نظام ارتباطی و رسانه تعاملی، مشارکت‌محور، هم‌کم هزینه و مهم‌تر متمایل به فضای دموکراتیک و آزادی بوده و حاکم بلامنزاع نظام رسانه‌ای و ارتباطی در جهان و به‌ویژه در نزد دانش‌جویان نمونه‌های جامعه‌آماري پژوهش حاضر است می‌باشد. چنان‌چه جدول شماره ۲ نشان می‌دهد. بیش‌تر ارتباط دانشجویان دانش‌جویان رسانه‌های تعاملی و مشارکتی مانند اینستاگرام، واتساپ، توئیتر، تلگرام و... می‌باشد. با میانگین ۴/۵۴ از ۵ نزدیک به دو برابر میانگین کل بوده که بسیار قابل تامل است می‌باشد و به عبارت دیگر در سطح خیلی زیاد محبوب دانش‌جویان است. واریانس این رسانه با ۰,۶۸۰ نشان‌گر پراکنده‌گی کم‌تر نسبت به سایر نظام‌های رسانه‌ای رقیب می‌باشد. رسانه‌های هم‌سو شامل روزنامه، مجلات، رادیو و تلویزیون با میانگین ۲/۱۶ و نزدیک به کم و با واریانس ۱,۴۱۰ وضعیت بسیار نامناسب و قابل تامل دانش‌جویان دارد.

### یافته‌های تبیینی / فرض آزمایی

تحلیل فرضیه اول: نوع و سطوح جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دانش‌جویانبا نوع و میزان استفاده آنان از نظام‌رسانه‌ای و ارتباطی رابطه معناداری دارد.

**جدول ۵- نتایج آزمون هم‌بستگی پیرسون رابطه بین نوع و سطوح جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دانش‌جویانبا نوع و میزان استفاده آنان از نظام‌رسانه‌ای**

					ضریب همبستگی	
					N: ۴۰۰	
رسانه سنتی و شفاهی	رسانه هم‌سو	رسانه غیر هم‌سو	رسانه تعاملی	نظام رسانه‌ای و ارتباطی		
۰/۰۱۵	۰/۲۵۸	-۰/۰۸۵	-۰/۱۵۳	۰/۱۴۴	پیرسون	جامعه‌پذیری سیاسی
۰/۷۵۸	۰/۰۰۰	۰/۰۸۹	۰/۰۰۲	۰/۰۰۴	Sig. (2-tailed)	
-۰/۰۲۷	۰/۱۸۷	۰/۰۷۵	-۰/۱۳۳	۰/۰۸۵	پیرسون	جامعه‌پذیری عالی
۰/۵۸۸	۰/۰۰۰	۰/۱۳۶	۰/۰۰۸	۰/۰۹۱	Sig. (2-tailed)	
۰/۰۶۱	۰/۲۲۷	-۰/۰۶۴	-۰/۱۳۱	۰/۱۷۳	پیرسون	جامعه‌پذیری متوسط
۰/۲۲۱	۰/۰۰۰	۰/۲۰۵	۰/۰۰۹	۰/۰۰۱	Sig. (2-tailed)	
۰/۰۲۵	۰/۲۲۸	-۰/۰۳۳	-۰/۱۰۷	۰/۱۶۰	پیرسون	جامعه‌پذیری ضعیف
۰/۶۱۸	۰/۰۰۰	۰/۵۱۵	۰/۰۳۳	۰/۰۰۱	Sig. (2-tailed)	

با توجه به اطلاعات و یافته‌های جدول شماره ۵ درمورد معناداری رابطه بین نوع و سطوح جامعه‌پذیری سیاسی دانش‌جویانبا نوع و میزان استفاده آنان از نظام‌رسانه‌ای و به ویژه آزمون مستقل ابعاد تشکیل دهنده نوع جامعه‌پذیری و انواع نظام‌رسانه‌ای و ارتباطی، موارد ذیل بسیار قابل تامل است؛

ضریب هم‌بستگی بین جامعه‌پذیری سیاسی و نظام‌رسانه‌ای و ارتباطی با ۰/۱۴۴ می‌باشد در سطح ۹۵ درصد معنادار و جهت این رابطه مثبت است. به عبارت دیگر نمونه‌های پژوهشی که بیشتر دارای نظام ارتباطی و رسانه‌ای تعاملی هستند، معتقدند که نظام رسانه و عوامل جامعه‌پذیری سیاسی نظام‌سیاسی حاکم نتوانسته است دانشجویان را در سطح عالی و متوسط جامعه‌پذیری سیاسی کند تا آنان نسبت به نظام سیاسی وفادار باشند و از نظام هنجارین آن تبعیت کنند. این وضعیت در نزد دانشجویانی که ارتباطات و منبع رسانه‌ای‌شان بیش‌تر از طریق نظام‌رسانه‌ای و ارتباطی غیر هم‌سو هست، شدیدتر است. برعکس این وضعیت در نزد دانشجویانی که نظام ارتباطی و رسانه‌ای‌شان بیش‌تر با نظام‌رسانه‌ای و ارتباطی هم‌سو مانند صدا و سیما جمهوری اسلامی، رسانه‌های مکتوب هم‌سو است، رابطه معناداری بین میزان ارتباط با نظام‌رسانه‌ای و نوع و سطوح جامعه‌پذیری تایید نمی‌شود و یا این که میان آن دو رابطه معناداری وجود ندارد. به عبارت روشن‌تر، پاسخ‌گویانی که نظام ارتباطی و رسانه‌ای‌شان با نظام‌رسانه‌ای هم‌سو هست، معتقدند که نظام‌رسانه‌ای و عوامل جامعه‌پذیری سیاسی نظام‌سیاسی ایران نتوانسته است که دانش‌جویانکشور را در راستای نظام هنجارین و ارزش‌های سیاسی کشور جامعه‌پذیر و تربیت نماید. بیش‌تر

**تحلیل فرضیه دوم:** نوع و سطوح جامعه‌پذیری دانش‌جویانبا نوع و میزان بیگانگی سیاسی آنان را تعیین می‌کند.

جدول ۶- نتایج آزمون همبستگی پیرسون رابطه بین نوع و سطوح جامعه‌پذیری سیاسی دانش‌جویانبا نوع و میزان بیگانه‌گی سیاسی آنان

ضریب همبستگی					بیگانه‌گی سیاسی	بی قدرتی	بی معنایی	بی هنجاری	بیزاری و ناامیدی
۴۰۰ : N									
۰/۴۸۱	۰/۴۲۰	۰/۳۹۹	۰/۳۶۵	۰/۴۲۳	جامعه‌پذیری سیاسی	پیرسون	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
۰/۳۳۴	۰/۳۰۵	۰/۳۰۳	۰/۲۸۴	۰/۳۰۰	جامعه‌پذیری عالی	پیرسون	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
۰/۴۷۰	۰/۳۶۲	۰/۳۸۳	۰/۴۱۱	۰/۴۰۲	جامعه‌پذیری متوسط	پیرسون	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
۰/۴۷۵	۰/۴۰۱	۰/۳۶۴	۰/۳۳۸	۰/۴۲۷	جامعه‌پذیری ضعیف	پیرسون	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

جدول ۷- نتایج آزمون رگرسیون در پیش‌بینی نوع و میزان بیگانه‌گی سیاسی برحسب نوع و میزان جامعه‌پذیری سیاسی

Sig	t	Bta	F	R2	R	تیبین بیگانه‌گی سیاسی بر اساس نوع و میزان جامعه‌پذیری
۰/۰۰۰	۱۰/۹۵۰	۰/۴۸۱	۱۱۹/۹۰۳	۰/۳۲۳	۰/۴۸۱	جامعه‌پذیری سیاسی
۰/۰۰۰	۷/۰۷۵	۰/۳۳۴	۵۰/۰۵۲	۰/۱۱۲	۰/۳۳۴	جامعه‌پذیری سطح عالی
۰/۰۰۰	۱۰/۶۳۲	۰/۴۷۰	۱۱۳/۰۴۷	۰/۲۲۱	۰/۴۷۰	جامعه‌پذیری سطح متوسط
۰/۰۰۰	۱۰/۷۶۱	۰/۴۷۵	۱۱۵/۸۰۴	۰/۲۲۵	۰/۴۷۵	جامعه‌پذیری سطح ضعیف

با توجه به اطلاعات و یافته‌های جدول شماره ۶ و ۷ در مورد معناداری رابطه بین نوع و سطوح جامعه‌پذیری سیاسی دانش‌جویانبا نوع و میزان بیگانه‌گی سیاسی موارد ذیل بسیار قابل تامل است؛

چنانچه اطلاعات و یافته‌های جدول شماره ۶ نشان می‌دهد، بین نوع و سطوح جامعه‌پذیری سیاسی دانش‌جویانبا نوع و میزان بیگانه‌گی سیاسی رابطه معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی بین جامعه‌پذیری سیاسی و بیگانه‌گی سیاسی برابر با ۰/۴۸۱- می‌باشد در سطح ۹۵ درصد معنادار است و جهت این رابطه منفی هست. به عبارت دیگر نمونه‌های پژوهشی که باور دارند، سطح جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان ضعیف می‌باشد، بیگانه‌گی سیاسی شان بیش تر است. هر چه جامعه‌پذیری سیاسی ضعیفتر، بیگانه‌گی سیاسی بیش تر. اگر نظام سیاسی نتواند دانشجویان را در سطح متوسط به بالا و عالی جامعه‌پذیر نماید، بیگانه‌گی سیاسی آنها بیش تر خواهد شد. از طرف دیگر اگر دانشجویان از بیگانه‌گی سیاسی بیش تری برخوردار باشند، تمایل کم تری به جامعه‌پذیری سیاسی وفق نظام سیاسی خواهند داشت.

یافته‌های جدول ۷ نشان می‌دهد، نوع و میزان بیگانه‌گی سیاسی بر اساس نوع و میزان جامعه‌پذیری سیاسی تبیین می‌شود. جامعه‌پذیری سیاسی به میزان ۰/۴۸۱ با بیگانه‌گی سیاسی دانش‌جویان همبستگی دارد و ضریب بتای استاندارد جامعه‌پذیری سیاسی ۰/۴۸۱ می‌باشد که در سطح ۹۵ درصد معنی دار است ( $P < ۰/۰۵$ ) که با نتایج یافته‌های آزمون‌های F و T هم‌سو می‌باشد. به عبارت دیگر نوع و میزان جامعه‌پذیری هر دانشجو بر انواع بیگانه‌گی سیاسی او موثر است. هر چه باور به عدم جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان بیش تر است، میزان بیگانه‌گی سیاسی هم بیش ترمی شود. این وضعیت در شاخص‌های تشکیل دهنده جامعه‌پذیری سیاسی هم معنادار می‌باشد.

**تحلیل فرضیه سوم:** هر یک از متغیرهای زمینه‌ای دانشجویان نوع و میزان بیگانه‌گی سیاسی آنان را تعیین می‌کند.

جدول ۸- نتایج آزمون t مستقل در ارتباط با میزان بیگانگی سیاسی دانشجویان بر حسب جنسیت و وضعیت تاهل شان

متغیرها	جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	df	sig
بیگانگی سیاسی	مرد	۱۵۹	۳/۳۹	۰/۸۷۱	۰/۵۴۵	۳۹۸	۰/۵۸۶
	زن	۲۴۱	۳/۴۴	۰/۷۸۹			
	وضعیت تاهل	تعداد	میانگین	انحراف معیار	۰/۹۹۳	۳۹۸	۰/۳۲۱
	متاهل	۳۵	۳/۲۹	۰/۹۲۶			
مجرد	۳۶۵	۳/۴۳	۰/۸۱۱				

در مورد نتایج آزمون t مستقل در ارتباط با میزان بیگانگی سیاسی بر حسب جنسیت و وضعیت تاهل موارد ذیل بسیار قابل تامل است؛ یافته‌های جدول شماره ۸ حاکی از آن است که میانگین مردان برابر با ۳/۳۹ و انحراف معیار ۰/۸۷۱ و زنان دارای میانگین ۳/۴۴ و انحراف معیار ۰/۷۸۹ است. هم‌چنین یافته‌ها نشان می‌دهند که t محاسبه شده ۰/۵۴۵ با درجه آزادی ۳۹۸ در سطح ۹۵ درصد معنا دار نیست ( $P > ۰/۰۵$ ). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بیگانگی سیاسی بین دانش‌جویان زن و مرد یکسان است و در بیگانگی سیاسی دانشجویان تفاوتی بین زن و مرد نیست. می‌باشد هم‌چنین میانگین متاهلین برابر با ۳/۲۹ و انحراف معیار ۰/۹۲۶ و مجردین دارای میانگین ۳/۴۳ و انحراف معیار ۰/۸۱۱ است. هم‌چنین یافته‌ها نشان می‌دهند که t محاسبه شده ۰/۹۹۳ با درجه آزادی ۳۹۸ در سطح ۹۵ درصد معنا دار نمی‌باشد ( $P > ۰/۰۵$ ). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بیگانگی سیاسی بین دانش‌جویان مجرد و متاهل یکسان است می‌باشد.

جدول ۹ - نتایج آزمون F مستقل در ارتباط با میزان بیگانگی سیاسی دانشجویان بر حسب دامنه سنی، قومیت، سطوح اشتغال به تحصیل، رشته تحصیلی، میزان رضایت از وضعیت معیشتی و وضعیت اشتغال آنان

Sig	F	df	متغیرهای زمینه ای	بیگانگی سیاسی
۰/۰۲۳	۳/۸۰۳	۲-۳۹۷	دامنه سنی	
۰/۴۷۰	۰/۹۱۶	۵-۳۹۴	قومیت	
۰/۲۹۱	۱/۲۵۱	۳-۳۹۶	سطوح اشتغال به تحصیل	
۰/۳۱۷	۱/۱۸۳	۵-۳۹۴	رشته تحصیلی	
۰/۰۰۸	۳/۵۱۷	۴-۳۹۵	رضایت از وضعیت معیشتی	
۰/۷۵۱	۰/۲۸۶	۲-۳۹۷	وضعیت اشتغال	

با توجه به اطلاعات و یافته‌های جدول شماره ۹ در مورد نتایج آزمون F مستقل در ارتباط با میزان بیگانگی سیاسی بر حسب دامنه سنی، قومیت، سطوح اشتغال به تحصیل، رشته تحصیلی، رضایت از وضعیت معیشتی و وضعیت اشتغال موارد ذیل بسیار قابل تامل است؛

آزمون تحلیل واریانس یک طرفه در ارتباط با بیگانگی سیاسی دانش‌جویان بر حسب رده سنی، بیان‌گر آن است که F محاسبه شده برابر با ۳/۸۰۳ با درجه آزادی ۲ و ۳۹۷ در سطح ۹۵ درصد، هم‌چنین نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه در ارتباط با بیگانگی سیاسی دانش‌جویان بر حسب قومیت، بیان‌گر آن است که F محاسبه شده برابر با ۰/۹۱۶ با درجه آزادی ۵ و ۳۹۴ در سطح ۹۵ درصد، نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه در ارتباط با بیگانگی سیاسی دانش‌جویان بر حسب سطوح اشتغال به تحصیل، بیان‌گر آن است که F محاسبه شده برابر با ۱/۲۵۱ با درجه آزادی ۳ و ۳۹۶ در سطح ۹۵ درصد تفاوت معناداری وجود ندارد یعنی بیگانگی سیاسی دانش‌جویانبا توجه به سطوح اشتغال به تحصیل آن‌ها یکسان است ( $P > ۰/۰۵$ ). نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه در ارتباط با بیگانگی سیاسی دانش‌جویان بر حسب رشته تحصیلی، بیان‌گر آن است که F محاسبه شده برابر با ۱/۱۸۳ با درجه

آزادی ۵ و ۳۹۴ در سطح ۹۵ درصد، دانش جویان برحسب رضایت از وضعیت معیشتی، بیان گر آن است که F محاسبه شده برابر با ۳/۵۱۷ با درجه آزادی ۴ و ۳۹۵ در سطح ۹۵ درصد و هم چنین، نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه در ارتباط با بیگانه گی سیاسی دانش جویان برحسب وضعیت اشتغال، بیان گر آن است که F محاسبه شده برابر با ۰/۲۸۶ با درجه آزادی ۲ و ۳۹۷ در سطح ۹۵ درصد تفاوت معناداری وجود ندارد یعنی بیگانه گی سیاسی دانش جویانبا توجه به وضعیت اشتغال آنها یکسان است (P ۰/۰۵). به عبارت دیگر همه متغیرهای زمینه ای/ تسهیل گر مرتبط با دانشجویان با نوع و میزان بیگانه گی سیاسی شان رابطه معناداری ندارند.

### نتیجه گیری و پیش نهادات

با توجه به یافته های تبیینی پژوهش، در پی آن هستیم که چرایی و چگونه گی بیگانه گی سیاسی دانش جویان را کاوش کنیم و نتایج/ یافته های پژوهشی حاصل از آزمون های آماری را در بستر ادبیات نظری پژوهش با نتایج و یافته های پژوهشی مشابه و هم سو سایر پژوهش گران، سنجش نموده و در مورد آنها بحث نماییم و نتیجه گیری کنیم که کدام گزاره های دانشی و پژوهشی بیش تر به عنوان فرض ها و گزاره های اساسی دانش جامعه شناسی سیاسی به قانون نزدیک تر می شوند. تلاش می کنیم در این نوشتار، مبحث را در محور خوشه فرض های پژوهشی جامعه پذیری سیاسی و یگانه گی سیاسی، گزارش نماییم.

یکی از گزاره های اساسی نظری در مورد سطوح جامعه پذیری سیاسی از نظر صاحب نظران جامعه شناسی سیاسی مانند وینتر (۱۹۸۵) و روسکین (۱۹۸۸) عبارتند از؛ الف) سطح عالی که گلا دیاتور پرور است و یک افنای سیاسی ایجاد می کند که موجب مشارکت بسیار بالایی سیاسی می شود، ب) سطح متوسط که به اندازه ضرورت موجب مشارکت سیاسی شهروندان برای حفظ نظام سیاسی و دوری از بیگانه گی سیاسی و یا حداقل تعدیل آن است و پ) سطح ضعیف که موجب درونی شدن بسیار ناقص ارزش ها و هنجارهای سیاسی در شهروندان شده، آنها را اقناع نموده و موجب عدم مشارکت سیاسی و بیگانه گی سیاسی می شود یافته های توصیفی پژوهش نشان می دهد، میانگین توان نهادها و عوامل جامعه پذیری در فرآیند جامعه پذیری سیاسی با ۱/۸۳ از ۵ حتی پایین تر از سطح ضعیف/ کم می باشد است. به عبارت دیگر به نظر دانش جویان دانش جویان نظام سیاسی در سطح نزدیک به ضعیف هم نتوانسته است دانش جویان دانش جویانرا برای حمایت از نظام سیاسی جامعه پذیر نماید. این وضعیت در سطح عالی جامعه پذیری سیاسی با میانگین ۱/۹۶ بسیار قابل تامل تر و همه سطوح تقریباً در وضعیت پایین تر از ضعیف/ کم هست. چرا که از وظایف نظام سیاسی جامعه پذیر کردن شهروندان در سطح عالی جامعه پذیری سیاسی است که بتواند مشروعیت نظام سیاسی و وفاداری شهروندان به نظام سیاسی و حمایت، اطاعت پذیری و ... آنها را فراهم نماید. در این وضعیت فقط گلا دیاتورهای سیاسی در فرآیندهای مشارکت سیاسی مانند انتخابات و سایر حوزه های شورانگیز شرکت می کنند و تکالیف شان را انجام می دهند. این یافته با یافته های پژوهشی میلبرات (۱۹۶۵) هم سوییگی دارد که در پژوهشی کشف کرد که؛ درجه یا وسعت مشارکت براساس فرآیند جامعه پذیری سیاسی شان تعیین می شود، و در جامعه پذیری سیاسی ضعیف فقط گلا دیاتورها یا کسانی که غالباً براساس جامعه پذیری عالی/ بالا در سیاست فعال هستند که بین ۵ و ۷ درصد بود و مابقی شهروندان تماشاگر، بی تفاوت و یا دارای مشارکت کم تری هستند. هم چنین میان یافته های پژوهش مزبور حاضر با یافته های پژوهشی رشیدی فرشلاف (۱۳۹۴) که نقش سازمان بسیج دانش آموزی در جامعه پذیری سیاسی دانش آموزان دوره متوسطه را مطالعه کردند، هم سوییگی وجود دارد. طبق نتایج مطالعات فرشلاف، نمونه های پژوهش از نظر وضعیت جامعه پذیری سیاسی در سطح متوسط قرار داشتند. میانگین جامعه پذیری سیاسی دانش آموزان عضو بسیج با دانش آموزان غیر عضو تفاوت معناداری داشت. هم چنین جامعه پذیری سیاسی دانش آموزان بسیجی فعال با جامعه پذیری سیاسی دانش آموزان بسیجی غیر فعال تفاوت معنادار بود.



یافته‌های پژوهش حاضر با گزاره نظری؛ گی‌یر، ماری لوین و سیمن که معتقدند؛ اگر نظام سیاسی نتواند دانش جویان را در سطح متوسط به بالا و عالی جامعه‌پذیر نماید، بیگانگی سیاسی آنها بیش‌تر خواهد شد. از طرف دیگر اگر دانش جویان از بیگانگی سیاسی بیش‌تری برخوردار باشند، تمایلی کم‌تری به جامعه‌پذیری سیاسی وفق نظام سیاسی خواهند داشت، هم‌سویه‌گی دارد. هم‌چنین هم‌سو با یافته‌های پژوهش پژوهش‌گران ذیل هست. علی‌رضا کریمیان و همکاران (۱۳۹۹) که در پژوهش نقش سرمایه اجتماعی در میزان بیگانگی سیاسی شهروندان تهرانی دریافتند بین سرمایه اجتماعی و بیگانگی سیاسی در سطح اطمینان ۹۹ درصد همبستگی معنی‌دار و معکوس وجود داشته است. مولفه اعتماد اجتماعی بیش‌ترین همبستگی را با بیگانگی سیاسی شهروندان دارد. جمال ادهمی (۱۳۹۷) که در بررسی میزان بیگانگی اجتماعی و فرهنگی در بین دانش جویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنج و عوامل مؤثر بر آن، دریافت که میانگین بیگانگی سیاسی دانش جویان در؛ احساس بی‌قدرتی، بی‌هنجاری، انزوا، بیگانگی از خود و بیگانگی فرهنگی کم‌تر از حد متوسط و احساس بی‌معنایی دانش جویان بالاتر از حد متوسط است. هم‌چنین میزان استفاده دانش جویان از رسانه‌های جهانی با میزان بیگانگی دانش جویان همبستگی معکوس و معناداری وجود دارد. محمدعلی ایمان و حسن قانلی (۱۳۹۵) در بررسی عوامل مؤثر بر بیگانگی سیاسی دانش جویان مطالعه موردی: دانشگاه شیراز کشف نمودند که بیگانگی سیاسی پدیده‌ای چندبعدی است که در طول فرآیند اجتماعی شدن فرد شکل می‌گیرد و عوامل مختلف روان‌شناختی و جامعه‌شناختی (عوامل ذهنی و عینی) بر آن مؤثرند و متغیرهای اعتماد به نفس، میزان رضایت‌مندی سیاسی، شیوه تربیتی خودراهبر خانواده و تقدیرگرایی بیش‌ترین تأثیر را بر بیگانگی سیاسی دانش جویان داشته‌اند. قاسم حسینی (۱۳۸۹) که با بررسی رابطه بیگانگی سیاسی، اجتماعی با مشارکت سیاسی - اجتماعی دانش جویان در مقطع کارشناسی و ارشد دریافتند که مؤلفه‌های بیگانگی سیاسی و اجتماعی در ارتقاء یا کاهش مشارکت سیاسی و اجتماعی مؤثرند و در صورت عدم مشارکت سیاسی و اجتماعی به دلیل ظهور بیگانگی سیاسی و اجتماعی در جامعه، امنیت ملی کشور دچار آسیب می‌شود.

نکته قابل تامل در مورد نتایج آزمون فرضیه‌های زمینه‌ای پژوهش حاضر است که اکثر آن‌ها فاقد همبستگی و رابطه معناداری با بیگانگی سیاسی دانشجویان بود و در حالی که در بیش‌تر پژوهش‌های هم‌سو متغیرهای زمینه‌ای بر نوع و میزان جامعه‌پذیری سیاسی، نوع و میزان مشارکت سیاسی و بیگانگی سیاسی نمونه‌های پژوهشی اثر بخش و تأثیر گذار بودند. دلیل عمده این تفاوت به نظر پژوهش‌گر، وضعیت حاد متغیرهای مورد سنجش در زمان پژوهش بوده که از حد گذشته و همه دانش جویان زن و مرد در دامنه‌های سنی مختلف و ... بر آن متفق القول بودند و تغییرات / واریانس بین آن‌ها کم بوده است که این خود یک نشانه جدی و هشداردهنده است.

## پیشنهادات

همه همت دانش و به ویژه دانش‌های پژوهش پایه بر آن است که مساله‌های سترگ جامعه را بررسی و با حل نمودن آن، ضمن این که به انباشت دانش کمک می‌کنند و بر آن می‌افزایند، راه کارهای کاربردی ارائه دهند تا از مشکلات جامعه کاسته و بر رفاه، آسایش و توسعه آن افزوده شود. این انتظار از پژوهش‌های کاربردی بیشتر و هم‌چنین پژوهش‌هایی که با رویکرد قیاسی و آزمون فرضیه‌ها انجام شده و از طرف دیگر کاربردی هم هستند خیلی بیشتر هست. از این روی تلاش می‌شود براساس یافته‌های پژوهشی، پیشنهادات آن در دو سطح دانشی و کاربردی به شرح ذیل تدوین و ارائه شود.

## پیشنهادات دانشی

با توجه به فرآیند انجام پژوهش حاضر که در بستر پژوهش‌های قیاس محور و پیمایشی / کمی انجام شد، نقصان نظریه بومی بسیار آشکار بود، از این روی توصیه می‌شود، پژوهش‌های کیفی از نوع نظریه‌مبنایی / داده بنیاد انجام گیرد.

با توجه به وضعیت و خودسانسوری پاسخ‌گویان در تکمیل پرسش‌نامه‌های پژوهش حاضر، در موضوع مزبور توصیه به انجام پژوهش کیفی و به ویژه از نوع پدیدارشناسی است که چگونه‌گی پدیدار شدن بیگانه‌گی سیاسی را به‌طور عمیق در نزد دانش‌جویان کشف کند.

با توجه به اهمیت نقش نظام‌رسانه‌ای در تبیین چرایی و چگونه‌گی هم‌جامعه‌پذیری سیاسی و هم‌بیگانه‌گی سیاسی، پیش‌نهاد می‌شود، موضوع و مسأله‌ای مستقل در مورد تاثیر انواع نظام رسانه‌ای، میزان ارتباط دانش‌جویان با آن‌ها و جامعه‌پذیری سیاسی و هم‌چنین بیگانه‌گی سیاسی به‌صورت کمی و از جمله پیمایشی انجام گیرد.

### پیشنهادات کاربردی

پیش‌نهادات کاربردی پژوهش حاضر براساس یافته‌های پژوهشی دل‌سوزانه/متعهدانه و عالمانه است و امید این که مدیران و مسولین دلسوز جامعه و کشور آن را پذیرا، در آن‌ها تامل و برحسب وظایف و تکالیف سیاسی و میهنی شان، آن‌ها را کاربردی کنند.

با توجه به یافته‌های پژوهشی در مورد وضعیت نگران‌کننده میزان بیگانه‌گی سیاسی دانش‌جویان جامعه‌آماری پژوهش حاضر که حدود ۳,۸۲ نزدیک زیاد و در سطح بی‌معنایی بیش از زیاد است و هم‌چنین با کمی اغماض می‌توان این یافته را به همه دانش‌جویان کشور تعمیم داد، پیش‌نهاد می‌شود؛ بی‌اعتمادی سیاسی دانش‌جویان را با بازی گرفتن آنها به قول بوردیو در میدان‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و به ویژه سیاسی، (و هم‌چنین با تغییر در راهبردها و برنامه‌ها و طرح‌های نهاد قدرت) کاهش و تعدیل کرد. چراکه دانش‌جویان در بیگانه‌گی سیاسی به این فهم رسیدند که در نظام سیاسی کشور، سهمی ندارند و به آن‌ها نیازی نیست و قدرت در دست یک اقلیتی است که دیگران/مردم و به ویژه دانش‌جویان برای آن‌ها مهم نیستند.

افزایش اعتمادسیاسی دانش‌جویان، افزایش فعالی مدنی آنان و بسترسازی مشارکت سیاسی شان در زمینه‌های غیر انتخاباتی با میدان دان به آنان، از اولویت‌های نظام سیاسی حاکم باشد که می‌تواند از طریق وزارت‌خانه‌های چون؛ کشور، جوانان، ارشاد و سازمان‌های دیگر انجام گیرد.

### منابع / کتاب‌نامه

#### منابع مقاله‌های بیگانه‌گی سیاسی

- آذین، احمد و جهان‌شاهی، رضا. (۱۳۸۹). بررسی نقش رادیو و تلویزیون در جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان، مجله علوم اجتماعی دانشگاه آزاد شوشتر، شماره ۹، صفحات ۱۰۵ تا ۱۲۸.
- آلموند، جی. و پاول، بی. (۱۳۷۵). جامعه‌پذیری سیاسی و فرهنگ سیاسی، ترجمه علیرضا طیب، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۲، صفحات ۱۱۴-۱۱۳.
- ادهمی، جمال. (۱۳۹۷). عوامل مؤثر بر بیگانگی اجتماعی و فرهنگی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، فصلنامه مسایلا اجتماعی ایران، سال نهم، شماره ۱، صفحات ۵-۲۷.
- ایمان، محمدتقی و قاندری، حسین. (۱۳۸۳). بررسی عوامل مؤثر بر بیگانه‌گی سیاسی دانشجویان، مطالعه موردی: دانشگاه شیراز، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال اول. شماره ۲، اسلامی، اکبر، مهاجری، اصغر و بابائی، محبوبه (۱۴۰۲). بررسی عوامل اجتماعی و فردی مؤثر بر میزان گرایش به مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، رساله دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- بندورا، آلبرت. (۱۳۷۲). نظریه یادگیری، ترجمه فرهاد ماهر، تهران: انتشارات راهگشا.
- بوردیو، بوردیو. (۱۴۰۲). تمایز: نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی، ترجمه، چاووشینان، حسن، تهران: انتشارات ناشر نالث.

- تاج مزینانی، علی اکبر. (۱۳۸۲). مشارکت سیاسی جوانان: ابعاد و پویایی ها، مجله مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، شماره ۵، صفحات، ۱۲۳-۱۵۶.
- چیلکوت، رونالد. (۱۳۸۷). نظریه های سیاست مقایسه ای، ترجمه، طیب، علیرضا و بزرگی، وحید، تهران: انتشارات رسا.
- حداد، سحر؛ خرمشاد، محمدباقر و خواجه سروری، غلامرضا. (۱۳۹۵). تحلیلی بر جامعه پذیری سیاسی دانش جویان (مطالعه موردی؛ دانش جویان دانش گاه بین المللی امام خمینی). پایان نامه کارشناسی ارشد دانش گاه علامه طباطبایی.
- حسنی، قاسم. (۳۸۹). بررسی رابطه بیگانگی سیاسی و اجتماعی با مشارکت سیاسی و اجتماعی دانشجویان دانش گاههای دولتی شهر تهران. فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۸۶-۸۷ دانشجویان دانشگاه های دولتی شهر تهران صفحات، ۱۳۰-۱۷۱.
- رادفر / کفاشی، مجید، نوابخش، مهرداد و پاشازاده آذری، فاطمه. (۱۳۸۹). بررسی تاثیر عوامل اجتماعی بر میزان مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، نشریه پژوهش اجتماعی، دوره ۱۳، شماره ۷، صفحات، ۷۳-۹۶.
- رشیدی فرشلاف، وحید و جمشیدی راد، جعفر. (۱۳۹۴). نقش سازمان بسیج دانش آموزی در جامعه پذیری سیاسی دانش آموزان دوره متوسطه (دوم)، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.
- شارع پور، محمود. (۱۳۷۸)، جامعه پذیری سیاسی، فصلنامه فرهنگ عمومی، بهار و تابستان، شماره ۱۸ و ۱۹، صفحات ۵۴-۷۶.
- طلوعی، علی و زارعتگر، علی اکبر. (۱۳۹۰). بررسی نقش تلویزیون بر جامعه پذیری سیاسی دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، مجله پژوهش اجتماعی، شماره ۱۲، صفحات ۷۴ تا ۵۵.
- قوام، عبدالعلی. (۱۳۷۸). سیاست شناسی: مبانی علم سیاست، تهران: انتشارات سمت.
- کریمیان، علی رضا، غفوری کله، سیده معصومه. (۱۳۹۹). نقش سرمایه اجتماعی در میزان بیگانگی سیاسی شهروندان تهرانی، فصلنامه علمی پژوهشی جامعه شناسی سیاسی ایران، سال سوم، شماره چهارم، صفحات ۱۷۱-۱۹۸.
- لوکاچ، جورج. (۱۳۸۷). تاریخ و آگاهی طبقاتی، ترجمه، پوننده، محمد جعفر، تهران: انتشارات بوتیمار.
- مهاجری، اصغر، ساعی فر، محمد، امیرمظاهری، امیرمسعود و محکی، علی اصغر. (۱۴۰۰). بررسی تعارض ارزشی و یرو ساخت هویت سیاسی در شیوه های جامعه پذیری سیاسی، فصلنامه سپهر سیاست، سال ۸، شماره ۲۹، صفحات ۸۸-۱۱۶.
- نادمی، داود. (۱۳۸۲). اقتدار و حاکمیت در روند جهانی شدن، نشریه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، دوره ۱۷، شماره ۱۵-۱۶ (پیاپی ۱۹۵-۱۹۶)، صفحات ۷-۸.
- نیکزاد، محمد حسین، خرمشاد، محمدباقر و رهبر، عباسعلی. (۱۳۹۳). تحلیلی بر وضعیت جامعه پذیری سیاسی دانشجویان: مطالعه ی موردی دانشجویان دانشگاه علامه باطباطبایی تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- نگین تاجی، اسکندری، علی و طبیعی، منصور. (۱۳۹۲). مطالعه تطبیقی عوامل موثر بر جامعه پذیری سیاسی (مطالعه موردی: دانشجویان رشته های انسانی دانشگاه آزاد اسلامی و دولتی شیراز). پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته جامعه شناسی.
- نوابخش، مهرداد، محسنی تبریزی، علیرضا و علی اصغرپور، طیب. (۱۴۰۲). نوابخش، و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان: بررسی جامعه شناختی فرایند تصمیم گیری در رفتارهای سیاسی با تاکید بر نقش جنسیت (مورد مطالعه: شهر تبریز، مجله علمی پژوهشی مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال پنجم، شماره اول، صفحات ۸۹-۱۰۴.
- میلبراث، لستر و گوئل، لیل. (۱۳۸۶). مشارکت سیاسی، ترجمه: سید رحیم ابوالحسنی، تهران: نشر میزان.
- همتی، رضا، عارفه، مهدیه و وادهیر، ابوعلی. (۱۳۹۵). فرآیند جامعه پذیری دانشگاهی دانشجویان دکتری؛ مورد دانشگاه اصفهان، مجله پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۷۹، صفحات ۴۵-۷۵.
- Almond, G. & Verba, S. (1963). *The Civic Culture, Political Attitude and Democracy In Five Nation*, Princeton University Press.
- Bandura, Albert. (2021). Haggblom SJ. *The 100 Most Eminent Psychologists of the Twentieth Century*. Psyc EXTRA Dataset. 2001. doi:10.1037/e413802005-787

- Bourdieu, P. (1986), "The forms of Capital" in J. Richardson (ed.) Handbook of Theory and Research for Sociology of Education N. Y. Greenwood Press. 28. Coleman, J. (1994), "Foundation of Social Theory. Cambridge.
- Easton, David (1968). A Systems Analysis of Political Life. New York: John Wiley. Kenneth E. Bouding., Kenneth E. Bouding
- Galko Campbell. C. (2014). Persons, identity, and political theory (A Defense of Rawlsian Political Identity). USA.
- Seeman, M. (1959). On the meaning of Alienation sociological Review. 24 (Decmber), p 780.
- Levin, murray (1972). Political Alienation in man Alone, by Josephson, E and Josephson, M. N. y. Mcgrow Hill
- Marx, K. (1964). FL45/Selected essays, writings in sociology and social philosophy.N.Y
- Millbrath, L. (1981). Political participation, Hand book of political behavoir, vol. 4, (ed), s. long, (new york : plenum press) p. 201. 12.
- Michael G. Roskin. (1988). Political science. Anitroduction prentice
- Mead. G. (1934). Mind self and society Chicago: university of Chicago press.